

تجربه زیسته: پروژه ایجاد اشتغال از طریق دامپروری در پنج روستای دهستان توتان بعد از سیل سیستان و بلوچستان

موسسه توسعه پایدار اردیبهشت

کلثوم بزی

امیر جلالی نژاد

چکیده:

مقاله حاضر تجربه‌ای است که در پی سیل دی‌ماه ۱۳۹۸ در سیستان و بلوچستان اتفاق افتاد. با پیشنهاد برخی دوستان، موسسه توسعه پایدار اردیبهشت جمع‌آوری کمک‌های نقدی برای کمک به مردم آسیب‌دیده از سیل را آغاز نمود. برخی از منابع مالی جهت ارقام ضروری هزینه گشت. اما پس از مشاوره با تسهیلگران باتجربه و صحبت با فعالین اجتماعی و معتمدین جامعه محلی و برآوردهای بعدی در جریان بازدید از محل روستاها، تصمیم بر این شد که پروژه‌ی ایجاد اشتغال از طریق دامپروری در محل اجرا شود. بروز بیماری کرونا، وقفه‌ای در کار ایجاد کرد اما با همراهی و پیشنهاد برخی افراد باتجربه در شرایط بحرانی، با گروه مؤثر و توانایی در شهرستان فنوج آشنا شدیم و فاز اول پروژه با کمک ایشان امکان‌پذیر شد. مطلبی که می‌خوانید در واقع گزارشی است از جزئیات این اقدام.

مقدمه

در جریان بارندگی‌های بسیار شدید اواخر دی‌ماه سال ۱۳۹۸ و متعاقب آن جاری شدن سیل در جنوب استان سیستان و بلوچستان و آب‌گرفتگی منازل در برخی محلات زاهدان، درخواست‌های مکرری از اقصی نقاط کشور در خصوص لزوم جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای سیل‌زدگان از سوی موسسه مطرح شد.

علی‌رغم مخالفت ابتدایی هیات مدیره به دلیل فقدان تخصص و تجربه کافی موسسه در حوزه امدادسانی در بحران، در ادامه و طی مشورت با سایر موسسات دارای تجربه و جامعه محلی، مقرر شد پس از کسب مجوزهای لازم، مجاری قانونی برای جمع‌آوری کمک‌های نقدی مردمی از سوی موسسه توسعه اردیبهشت اعلام گردد تا در راستای اقدامات در مناطق سیل‌زده جنوب استان و کمک به به‌سازی منازل آسیب‌دیده در مناطق کمتربرخوردار شهر زاهدان هزینه گردد.

در چند روز ابتدایی وقوع حادثه و بر اساس ضرورت، بخشی از کمک‌های نقدی صرف خرید لباس گرم کودکان و ارسال به روستاهای دهگان‌ها واقع در دهستان نگور از توابع بخش دشتیاری شهرستان چابهار شد. با توجه به گستره پهناور روستاهای دچار سیل و مشکلات مختلف این مناطق، لازم بود محدوده هدف و اقدام مشخص برای مداخله تعیین گردد. بر این اساس ارزیابی‌های اولیه از افراد ساکن در شهرستان‌هایی که بر اساس گزارش‌های رسیده مشکلات بیشتری داشتند (کنارک، چابهار و نیکشهر) آغاز شد.

نتایج مصاحبه‌ها و تحقیقات نشان داد بخش عمده امدادسانی‌ها به بخش دشتیاری شهرستان چابهار و بخش زراآباد شهرستان کنارک روانه شده‌اند و این تجمع ناشی از حضور قبلی موسسات مردم‌نهاد و خیریه‌ها، دسترسی بیشتر اهالی به اینترنت و امکان ارسال تصاویر از خسارات سیل و به تبع آن تبلیغات گسترده‌تر پیرامون این خسارت‌ها بود.

همچنین غالب کمک‌ها شامل کنسروجات، آب معدنی، لباس گرم، پتو و اقلام دارویی بود که در برخی نقاط به‌ویژه در حوزه شهرستان‌های کنارک و چابهار، نیاز به این موارد مرتفع گردیده بود. از طرفی، برنامه‌ریزی لازم برای ایجاد درآمد پایدار و تغییرات مثبت ماندگار برای پیشگیری از حوادث مشابه در آینده توسط گروه‌های کمتری انجام شد و از روستاهای آسیب‌دیده اطراف شهرستان نیکشهر با وجود بارندگی بیشتر در این ناحیه، به واسطه قطع بودن راه‌های مواصلاتی و خطوط تلفن، اطلاعات کمتری خارج گردید و کمک‌های کمتری به این شهرستان معطوف شد.

باتوجه به اطلاعات به دست آمده از گزارش‌های سایر گروه‌ها و مصاحبه‌های انجام شده توسط موسسه توسعه پایدار اردیبهشت با فعالین اجتماعی درگیر در امدادسانی و اهالی ساکن مناطق آسیب دیده مقرر شد دهستان توتان و مهمدان از توابع بخش بنت شهرستان نیک شهر به عنوان محدوده هدف فعالیت موسسه برای امدادسانی و اجرای برنامه‌های توسعه پایدار از طریق اشتغال‌زایی با تمرکز بر مزیت‌های کسب‌وکاری بومی منطقه انتخاب شود.

دهستان توتان و مهمدان در منتهی‌الیه جنوب غربی استان سیستان و بلوچستان و در همسایگی شهرستان‌های بشارگرد و جاسک در استان هرمزگان و شهرستان قلعه گنج در استان کرمان واقع شده است. برای سفر به این دهستان لازم است ابتدا ۴۹۵ کیلومتر از زاهدان به سمت جنوب استان پیش بروید و از شهرستان‌های خاش و ایرانشهر عبور کنید تا به شهرستان نیک‌شهر برسید سپس حدود ۸۰ کیلومتر به غرب برآید تا به شهر بنت برسید و بعد از آن حدود ۶۰ کیلومتر دیگر به غرب پیش بروید تا به روستای پیربونی (مرکز دهستان توتان و مهمدان) برسید. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ این دهستان ۲۹۷۲ نفر جمعیت دارد.



تصویر یک: موقعیت جغرافیایی شهرستان نیک‌شهر

طی روزهای ۱۵ الی ۱۷ بهمن ماه، گروه ۴ نفره ارزیابی، شامل تسهیلگران موسسه به دهستان توتان و مهمدان سفر کرده و از ۵ روستای توتان (پیربونی)، خاکرانی (هاکران)، نوک‌آباد، گنج‌آباد (سررود) و پُغمزی (پگومزی) بازدید نمودند. پس از مصاحبه با معتمدین و اهالی و برگزاری جلسات مشترک با ساکنان باهدف اطلاع از کسب‌وکارهای قابل اجرا یا توسعه در منطقه، دام‌پروری و کشاورزی به‌عنوان کسب‌وکارهای قابل توسعه شناسایی شدند.

باتوجه به مناسب‌تر بودن بسترها برای توسعه دام‌پروری، مقرر شد تعدادی بز با اولویت خانوارهای نیازمند دارای مهارت و تجربه پرورش دام تهیه و با نظارت معتمدین محلی به صورت امانت و در قالب توافق و قرارداد فی مابین سرپرست خانوار و موسسه اردیبهشت توزیع گردد. نسل دوم بزها پس از گذشت یک سال که مدت‌زمان کافی برای زاد و ولد و بلوغ این حیوانات است از خانواده اول تحویل گرفته شده و به خانوار بعدی واگذار می‌گردد. بدیهی است خانواده اول، مالک قطعی نسل اول بزها است و این چرخه تا دسترسی خانواده‌های نیازمند منطقه به دام ادامه خواهد یافت.

روستاهای مختلف در بیست و پنج سال گذشته در محل فعلی تشکیل شده و اغلب در بستر رودخانه یا لبه رود شکل گرفته‌بود و مردم بعد از این طوفان بی‌سابقه به شدت دنبال انتقال روستا به مناطق مرتفع بودند.

طبیعت

نیک‌شهر و بنت از جمله مناطق گرم سیراست، اما نزدیکی به کوهستان بیرک و کوهستان‌های شرق کرمان باعث شده گاهی مردم شاهد زمستانه‌ای پر بارش باشند. بخصوص بارش برف در ارتفاعات که تا مدت‌ها سفیدی آن در دوردست جذاب است. علاوه بر این شکل و رنگ کوه‌های یک‌دست سیاه با بوته‌های سبز فصلی با عوارضی جذاب برای زمین‌شناسان و طبیعت‌گردان جالب‌توجه خواهد بود.



تصویر دو: فضای طبیعی و معماری دهستان توتان

پوشش گیاهی درختان تاق و گز، فضای رو ستایی و عشایری با حضور حیوانات اهلی در دشت‌ها و همراهی ایشان با پرندگان مهاجری نظیر حوا صیل از جمله اتفاقاتی است که انتظار دیدنش را در مناطق جنوبی ندارید اما نزدیکی به دریا معجزات خودش را در زمین و آسمان این مناطق نیز نشان می‌دهد. نیکشهر شهر آبشارهاست و شاخه‌های رودخانه‌های فصلی زیادی نیز در منطقه‌ی توتان جاری است. رودخانه‌هایی که اثرات آن در سیل اخیر با از بین بردن جاده‌های نامناسب تا به امروز باقی است.

مسکن

معماری غالب روستا خانه‌های کپری و گردتوپ‌هایی است که با استفاده از شاخه‌ها و برگ‌های درخت خرما ساخته می‌شود. این کپر‌ها خانه‌های موقتی است که به مدت شش ماه تا یک سال دوام دارد و احتمالاً برای زندگی عشایری مناسب بوده است. بعد از یک سال کپر‌ها نیاز به تعمیر و بازسازی دارد اما به گفته اهالی یک کپر نوساز که با دقت ساخته شده باشد در مقابل طوفان و باران‌های سیل‌آسای منطقه، اغلب مقاوم‌تر از خانه‌های آجری بوده است. به جز کپر‌ها تعدادی خانه‌ی آجری با نما و توکاری سیمان نیز توسط بنیاد مسکن ساخته شده بود. این اتاق‌ها در باران اخیر اغلب دچار ریزش شده و آب از سقف خانه‌ها به داخل نفوذ کرده بود و بوی نم و خیس دیوارها بعد از قریب بیست روز از گذشت سیل از بین نرفته بود. سرویس‌های بهداشتی و بعضی اتاق‌ها و دیوار دور برخی منازل نیز به وسیله‌ی سنگ و گل و در پاری جاها با سیمان ناچیز کار شده بود و در نتیجه بارش باران گل را شسته و دیوار خانه‌ها ریخته بود. اغلب مردم خانه‌های آجری را به خانه‌های کپری ترجیح می‌دهند.

اشتغال و اقتصاد

منطقه‌ی توتان به لحاظ اقتصادی در فقر زیادی به سر می‌برد. شغل بیشتر مردان و جوانان روستاهای اطراف کارگری در مزارع سیفی جات و باغ‌های میوه و پرورش میگو در استان‌های بوشهر و هرمزگان و بخصوص بندر جاسک و زراباد است. در برخی مواقع زنان نیز برای گوجه چینی به این مناطق می‌روند.

به جز مشاغل گفته شده در استان‌های دیگر، از جمله مشاغل روستا می‌توان به دام‌پروری (بزداری)، کشاورزی بسیار کوچک، و کارگر ساختمانی برای مردان و اشتغال به مشاغل کوچک و گذری صنایع دستی نظیر حصیربافی و سوزن‌دوزی و خیاطی لباس سنتی بلوچی، کریشی‌بافی برای زنان اشاره کرد. البته طبق مشاهدات گروه، کیفیت کار حصیربافی زنان بهتر از سوزن‌دوزی بود. درباره کشاورزی و کلا موضوع آب نیز روستا سه قنات داشت که در سیل و طوفان اخیر راه قنات‌ها مسدود شده و نیاز به لایروبی داشت که انجام آن به علت نیاز به بیل مکانیکی، گازوییل و... از توان مردم روستا خارج است. البته از نظر مردم توتان مشکل اصلی کشاورزی بعد از خشک‌سالی‌های اخیر، بحث اختلاف مردم روستا و اداره منابع طبیعی بر سر ملی بودن زمین‌هایی است که مردم تمایل به کشاورزی در آن دارند. همچنین در بخش‌های زیادی از زمین‌ها نیز خاک به علت داشتن آهک، شیل و آلومینیوم بیش از حد مناسب کشاورزی نیست. اما

ظاهرا برخی نقاط این منطقه در گذشته‌ای نه‌چندان دور کشاورزی پررونقی داشته و لیموی کل نیکشهر و دورتر را تامین می‌کرده به طوری که کارخانه تولید آب‌لیمو در نیکشهر چهل سال پیش از لیموی توتان بهره می‌برده‌است.

در بحث آب آسیبی که سیل به لوله‌کشی و آبرسانی با شیلنگ وارد آورده بسیار قابل توجه است، در روستاهای کُناردر و گنج آباد (سررود) کیلومترها (در برخی جاها بیش از ده کیلومتر شیلنگ پنجاه میل لازم است جهت احیای فرایند آبرسانی) لوله‌کشی و شیلنگ با سیل رفته‌است. این موضوع باعث آسیب جدی به کشاورزی و دام‌پروری کوچک توتان شده‌است. در مهر و موم‌های گذشته شغل اصلی مردم کشاورزی بوده، مرکبات و میوه‌های گرم‌سیری در این منطقه کشت می‌شده، اما امروزه در بعضی مناطق بی‌آبی، مشکلات نوع خاک و برخی اختلافات با منابع طبیعی باعث شده‌بود فقط شاهد باغچه‌های کوچک انبه و لیمو و سبزی‌کاری و زیتون و گوجه و بادمجان و باقلا باشیم.

لازم به ذکر است که هنوز هم گله‌های بزرگ بز و گوسفند در روستاهای کوه‌دشتین توتان وجود دارد و برخی گله‌های کوچک روستاهای بستر و کنار رودخانه نیز برای چرا به کوهستان برده می‌شوند. در لابه‌لای صحبت‌ها به برخی مشاغل کاذب نظیر خرید و فروش مواد مخدر و گماشتگی برای بزرگان نیز اشاره می‌شد. در گذشته گله‌های گاو نیز در منطقه وجود داشته‌است.

در بحث دام‌پروری، یکی از مشکلات شایع مردم مرگ‌ومیر بزهایی بود که بعد از باران و با رویش علف‌های تازه به بیماری اسهال دچار می‌شدند و از بین می‌رفتند. درمان این بزها به وسیله واکسنی بود که با یک‌بار تزریق در سال باعث می‌شد از مرگ‌ومیر به شدت پیشگیری شود. واکسن کشته چهار ظرفیتی آن‌تروتوکسمی با قیمت دویست هزار تومان صد راس دام با قیمت میانگین یک و نیم تا سه میلیون تومان را از مرگ نجات می‌داد اما مردم به علت ناآگاهی ترجیح می‌دادند دام‌ها از بین بروند اما واکسن تهیه نکنند. مرگ‌ومیر دام‌ها در این فصل برایشان طبیعی شده بود. امسال و در جریان سیل دامپزشکی برای تعدادی از دام‌ها مقداری واکسن رایگان در اختیار مردم روستا قرار داده بود که کافی نبوده و تهیهی واکسن برای باقی دام‌ها یکی از ضروریات فوری حوزه اشتغال این منطقه به نظر می‌آید.

بهداشت

مشکلات بهداشتی از اولین مسائلی است که در مواجهه با روستاهای دهستان توتان به چشم می‌آید. به علت کمبود سرویس بهداشتی و تخریب برخی سرویس‌های بهداشتی موجود در سیل اخیر و همچنین نبود آموزش‌های بهداشتی، کودکان معمولاً برای قضای حاجت از محوطه‌ی نزدیک خانه‌ها و کپر‌ها استفاده می‌کنند. به علت سفتی و سنگی بودن زمین، امکان حفر چاه فاضلاب عمیق‌تر از دو متر در منطقه وجود ندارد و این موضوع باعث می‌شود هم در بارندگی و سیل و هم در شرایط طبیعی چاه توال به سرعت سرریز شود. مشکل شستشو در ظاهر کودکان دیده می‌شود و اغلب کودکان پاره‌پاره لباس کم و با بی‌لباس حاضر می‌شوند، این موضوع باعث شده سرماخوردگی و بیمار باشند. زباله‌ها در جای‌جای روستا به چشم می‌خورد و کاری برای دفع زباله صورت نمی‌گرفت.

مشکل بهداشت و آلودگی به‌جز در بهداشت فردی و بهداشت محیط در آب شرب روستا نیز وجود داشت، اهالی معتقد بودند آب نامناسب روستا باعث انواع عفونت‌ها و سنگ‌های کلیه و مجاری ادراری و ... شده‌است. در هیچ‌کدام از سرویس‌های بهداشتی موجود اثری از صابون و مواد شوینده و بهداشتی دیده نشد. با اینکه انواع داروهای گیاهی در منطقه یافت می‌شود اما مردم روستا دانشی برای استفاده از این گیاهان به وقت نیاز ندارند و در خانه بهداشت روستا هم که با سقف ریخته و فضای غیربهداشتی‌اش شباهت چندانی به مکان درمانی نداشت، دارویی به نظر نمی‌آمد. تقویت دارویی خانه بهداشت و امکان آموزش بهداشت فردی و بهداشت محیط و آموزش طب سنتی سم‌پاشی برخی مناطق برای جلوگیری از حضور حشرات موذی در فصل گرما بخصوص بعد از سیل و باوجود مشکلات بهداشت محیط، می‌تواند بسیار مفید باشد البته در صورت وجود امکانات مالی انگیزشی برای کارکنان خانه بهداشت که به نظر می‌آمد اغلب برای رفت‌وآمد به روستا مشکل وسیله نقلیه هم داشتند.



تصویر سه: خرابی سقف درمانگاه منطقه توتان

تغذیه، زنان و کودکان

به طور کلی مساله سوتغذیه در منطقه شامل همه‌ی گروه‌های سنی می‌شود. اما زنان و کودکان و به‌طور خاص زنان باردار بیشتر در معرض خطر سوتغذیه قرار دارند. قد کوتاه در کودکان و نوجوانان و حتی جوانان روستا، لاغری بیش از حد و حتی استخوان‌های ظریف و شکننده در زنان و کودکان قابل توجه است. خوراک غالب مردم منطقه برنج، لوبیا، پیازچه و گوجه، بادمجان و سیب‌زمینی است. گوشت برای مهمان سرو می‌شود آن‌هم به مقدار کم و از آنجایی که بیشتر مردم فقیر هستند خوراک کافی از مواردی که گفته شد نیز به دست نمی‌آورند.

بالبینکه هیچ فرو شگاه و مغازه خواروبارفروشی در منطقه وجود نداشت اما زباله‌های مربوط به تنقلات سوپرمارکتی و پوشک نشان از حضور گاه‌گذاری این نوع اغذیه در منطقه داشت. نان روی تین پخته می‌شد (نمونه‌اش در میان اغلب عشایر کشور قابل مشاهده است) و هیچ نانوايي در منطقه وجود نداشت. استفاده از نان روغنی اغلب برای صبحانه در میان مردم رایج بود.

در بحث زنان بیماری‌های زنانه نظیر افتادگی و عفونت رحم، عفونت مجاری ادراری و بیماری‌های کبدی و آسم شایع بود. ازدواج کودکان (۱۲ سالگی)، بارداری‌های زودهنگام، نزدیک به هم و متعدد، عدم دسترسی به آموزش و مشاوره بهداشتی و پزشکی درباره تنظیم خانواده و مراقبت‌های پس از زایمان و سقط جنین و عدم رعایت بهداشت فردی می‌تواند از جمله دلایل ازدیاد این نوع بیماری‌ها در میان زنان منطقه باشد.

پزشک روستا، مردم منطقه را انسان‌هایی صلح‌طلب توصیف کرد، اما به نظر می‌رسد بخصوص زنان و نوجوانان دختر منطقه لازم است از نظر افسردگی و مباحث مربوط به بهداشت روان مورد بررسی قرار بگیرند.

اعتیاد

به جز ازدواج و بارداری کودکان و تعدد زوجین که ریشه فرهنگی دارد، یکی از معضلات اصلی روستا، اعتیاد مردان بالای سی سال و به گفته‌ی پزشک روستا برخی از زنان و جوان‌ترها به مواد مخدر است. از جمله مواد مورد استفاده‌ی ایشان می‌توان به تریاک و چرس اشاره کرد. شکل استفاده به وسیله منقل و بافور (وافور) است و مشکل اعتیاد در چهره و بدن مردان کاملاً قابل مشاهده است. به جز این موارد استفاده از قلیان با تنباکویی به نام گراکو که بدبو و مخدری پاکستانی است نیز در میان زنان و مردان رواج دارد.

دسترسی

جاده‌های غربی استان نرسیده به توتان پایان می‌یابد و ضمن اینکه مسیر دسترسی بنت به توتان دارای جاده آسفالتی است که جای‌جای آن در طغیان رودخانه از بین رفته، و آسفالت شکسته و ماشین‌های معمولی به‌سختی می‌توانند از این جاده به توتان برسند، در پنج کیلومتر آخر راه خاکی است. تمام

مسیرهای ارتباطی روستاهای توتان نیز خاکی است و بعضی از روستاها فقط مسیر دسترسی موتورسواری و پیاده‌روی دارد. فاصله‌ی ۱۷۰ کیلومتری نیکشهر به توتان، مدت سه ساعت با اتومبیل به طول می‌انجامد.

از نظر دسترسی به تلفن و اینترنت فقط در روستای مرکزی با نام پیربونی (توتان) اینترنت ضعیفی موجود است که قادر به انتقال پیام متن هست. در نزدیکی این روستاها دکل مخابرات و فیبر نوری وجود ندارد و آنتن‌دهی تلفن همراه به سختی صورت می‌گیرد. از نظر وسیله نقلیه نیز در بعضی روستاها مثل خاوران فقط یک اتومبیل وجود دارد که صاحب آن رئیس شورای روستاست و اغلب با گرفتن مبلغی مردم و دانش‌آموزان را به بنت می‌رساند.

همچنین نبود وسیله نقلیه برای انتقال اضطراری بیماران یکی دیگر از مشکلاتی بود که باعث شده بود کودکی با ابتلا به بیماری معمول زردی، به علت نرسیدن به موقع دارو و درمان به فلج مغزی دچار شود.

آموزش و تحصیل

در مجموع پنج روستایی که مورد بازدید گروه موسسه توسعه پایدار اردیبهشت قرار گرفت، در سه روستا مدارس یک و دو کلاسه وجود داشت. روستاهای نوک‌آباد، پیربونی و سررود (گنج‌آباد) دارای مدرسه بودند و کودکان باقی روستاها مسیر دو سه کیلومتری روستا تا مدرسه را پیاده طی می‌کردند. در روستای سررود مدرسه‌ای با هزینه‌ی ۳۵ میلیون تومانی به وسیله‌ی خیر و به واسطه‌ی پیمانکاری ساخته شده بود، هزینه‌ی انجام شده تناسبی با ابعاد و شکل مدرسه نداشت. رئیس شورای روستا می‌گفت؛ به خاطر تنگی جا اغلب تعدادی از دانش‌آموزان بیرون از کلاس و در فضای باز می‌نشینند. همچنین مدرسه‌ای هم در روستای خاکران مشغول ساخت بود. بچه‌ها تا کلاس نهم در مدرسه پیربونی امکان تحصیل داشتند و برای ادامه تحصیل لازم بود به مدرسه‌ای شبانه‌روزی در شهر بنت بروند. این رفت‌وآمد همراه با هزینه‌ی زیاد و نگرانی‌هایی برای خانواده‌ها بود و باعث می‌شد دختران اغلب بعد از نهم ترک تحصیل کنند. البته اگر قبل از آن به شوهر نرفته باشند. به گفته‌ی جوانان تحصیل کرده روستا، کیفیت آموزش در این مدارس بسیار پایین بوده و سرباز معلم‌ها مسئول آموزش کودکان هستند.

مدارک شناسایی

تعدادی از مردم در منطقه توتان بخصوص در روستای خاکران فاقد مدارک شناسایی بودند که این موضوع باعث شده بود از اندک امکانات دولتی موجود در منطقه نظیر یارانه و آموزش هم محروم باشند. این افراد به علت زندگی در کوه‌های اطراف، جایی که قبل از شکل‌گیری روستاها در مکان فعلی همه‌ی مردم منطقه در آنجا زندگی می‌کردند، ساکن بوده و نیازی به داشتن شناسنامه احساس نمی‌کرده‌اند. تا زمانی که دولت احتمالاً برای خدمات‌رسانی بهتر مردم را تشویق کرده تا از کوهستان بر زمین فرود آیند. اما عده‌ای از قافله‌ی اخذ شناسنامه عقب‌مانده‌اند.

جوانان تحصیل کرده

با وجود عدم کفایت معلم‌ها یا نبود دلسوزی کافی در تدریس، تعدادی از جوانان روستا دیپلم گرفته و برخی از آن‌ها در رشته‌های مهندسی برق قدرت، تربیت بدنی، حسابداری و آموزش ابتدایی در دانشگاه آزاد بنت و دانشگاه سیستان و بلوچستان در شهر زاهدان مشغول به گذراندن ترم‌های پایانی تحصیل هستند. این جوانان اگر مشغول به مشاغل مفید و مناسب شوند می‌توانند الگوهای خوبی برای دیگر کودکان و جوانان روستا باشند. بخصوص که برخی از آن‌ها دارای انگیزه‌ی زیادی برای تغییر و کمک به بهبود شرایط روستا بودند. آموزش تسهیلگری و دیگر آموزش‌های لازم به این جوانان می‌تواند بسیار سازنده و مفید باشد. همچنین برگزاری کلاس‌های کمک‌درسی از طرف ایشان برای کودکان و نوجوانان روستا نیز می‌تواند خلأ آموزشی را جبران نماید. البته با توجه به مشکلات اقتصادی و فرهنگی نیاز به تشویق خانواده‌هاست تا اجازه‌ی تحصیل به دختران و پسران بدهند.

در مجموع، با توجه به مدیریت ضعیف منابع آب در منطقه، خشکسالی‌های مداوم، فقدان زمین‌های کافی برای کشاورزی و عدم وجود زیرساخت‌های لازم از جمله چاه آب، لوله‌کشی و پمپ‌های آب به نظر می‌رسد امکان برنامه‌ریزی برای احیای زمین‌های کشاورزی در بلندمدت امکان‌پذیر است اما در کوتاه‌مدت، این حوزه توان بهبود معیشت اهالی را ندارد.

پروژه ایجاد اشتغال از طریق دام‌پروری در پنج روستای دهستان توتان (نوک‌آباد، پیربونی، خاکرانی، سررود، پغمزی)

از طریق مصاحبه با معتمدین و ریش سفیدان و جمع‌بندی جلسات گروهی دریافتیم با توجه به بستر مناسب‌تر دام‌پروری در دهستان توتان چه به لحاظ وجود نیروی انسانی دارای مهارت و چه طبیعت مناسب پرورش دام، به‌ویژه بزهای محلی، امکان برنامه‌ریزی برای احیا یا توسعه مشاغل مرتبط وجود دارد.

برای گام اول موسسه تعداد بیست ویال واکسن انتروتوکسمی و سرنگ اتوماتیک مناسب دام‌های سبک برای پیشگیری از مرگ‌ومیر دام‌های موجود زیر نظر دامپزشکی استان به منطقه ارسال کرده و تزریق واکسن توسط جوانان آموزش‌دیده توتان آغاز گشته است.

اولین جلسه‌ی تبادل تجربه با جوانان توتان پنج‌شنبه اول اسفند ۱۳۹۸ در زاهدان برگزار شد. امیدوار بودیم این ارتباط و ارتباط مجازی با برخی معتمدین توتان و رفت‌وآمدهای بعدی به منطقه باعث بهبود وضعیت گردد ولی در عمل به علت نبود اینترنت در منطقه امکان ارتباط مؤثر محقق نگشت.

امیدوار بودیم نیمه اسفند ۱۳۹۸ بتوانیم با حضور در منطقه، پروژه ایجاد و راه‌اندازی کسب‌وکار برای تعدادی از خانواده‌های واجد شرایط در روستاهای دهستان توتان، با تحویل تعداد چهار رأس بز به هر خانوار با شرایط اعلام‌شده، را به انجام برسانیم.

شیوع بیماری کرونا و محدودیت عبور و مرور از یک طرف و از سوی دیگر وضعیت نامناسب بهداشت و تغذیه در منطقه باعث می‌شد احتمال شیوع بیماری و آمار بالای مرگ‌ومیر پیش‌بینی شود. به همین دلیل گفتگوهایی را با معتمدین و جوانان دهستان توتان، اعضای موسسه و برخی فعالین اجتماعی آغاز کردیم، همه متفق‌القول پیدایشه‌ها کردند تا تثبیت وضعیت، هرگونه رفت‌وآمد به منطقه و خرید دام معلق شود، بخصوص که وضعیت بیماری در رابطه با شیوع از طریق انسان و حیوان کاملاً مشخص نشده بود.

علاوه بر شیوع بیماری، باران‌های سیل‌آسای بعدی نیز آغاز شد و راه‌های مواصلاتی به روستاهای این دهستان مسدود گشت.



تصویر چهارم: وضعیت راه‌های دهستان توتان در اواخر فروردین

پس از ارسالی واکسن، تماس‌هایی از برخی افراد روستا داشتیم که نگران‌کننده بود، دامپزشکی سرنگ اتوماتیک ارسالی را به‌جای تحویل به نماینده توتان به بنت فرستاده بود و همچنین برخی دام‌ها در روستای خاکران واکسینه نشده بودند. این موضوع تصور انجام بخشی از قسمت‌های پروژه بدون حضور نمایندگان موسسه را سخت‌تر می‌کرد. با این وجود و در پی شیوع کرونا، با برخی معتمدین صحبت شد و با کمک آن‌ها مقداری مواد شوینده شامل مایع

دستشویی، وایتکس و به پیشنهاد مردم روستا مایع ظرف شویی برای ۵۰۰ خانوار این دهستان از نزدیکترین شهر به دهستان یعنی شهر بنت تهیه شد. از زمان خرید تا تحویل اقلام به مردم تقریباً دو هفته طول کشید، که دو روز از این دو هفته تأخیر به علت ممنوعیت ورود به دهستان به دلیل شیوع ویروس در نیکشهر و چند روزی با مسدود بودن راهها به علت بارندگی و باقی آن به دلیل مشکلات شخصی افراد دخیل در اجرا بوده است.



تصویر پنجم: توزیع مواد شوینده در دهستان توتان

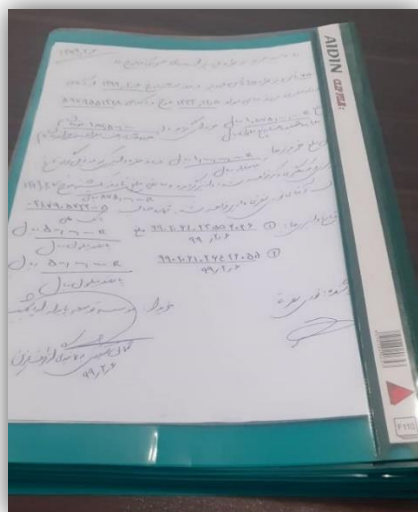
شیوع بیماری کرونا و محدودیت عبور و مرور از یک طرف و از سوی دیگر وضعیت نامناسب بهداشت و تغذیه در منطقه احتمال شیوع بیماری و وقوع مرگومیر را بالا برده بود. به همین دلیل گفتگوهایی را با معتمدین و جوانان دهستان توتان، اعضای موسسه و برخی فعالین اجتماعی آغاز کردیم و همه متفق القول پیشنهاد کردند تا زمان تثبیت وضعیت، هرگونه رفت و آمد به منطقه و خرید دام معلق شود. در ادامه با شیوع گسترده تر و همه گیر شدن بیماری و وضعیت نابسامان کسب و کارها و اقتصاد مردم، نگرانی از وخیم تر شدن شرایط معیشتی جامعه هدف هم افزایش یافت و اعضای هیئت مدیره اردیبهشت با راهنمایی فعالین اجتماعی، اقتصادی و کارآفرینی مجرب، اقدام به بررسی انجام پروژه از طریق فعالین اجتماعی همجوار با محدوده هدف نمودند. در نتیجه جستجوهای گروهی از فعالین فرهنگی شهرستان فنوج به موسسه اردیبهشت معرفی شدند. پس از انجام مذاکرات، این گروه در سفری یک روزه به روستاهای توتان و گفتگو با مردم و معتمدین، گزارش جدیدی از وضعیت منطقه ارائه کرده و لیست خانواده های واجد شرایط در پروژه اشتغال را تدقیق و به روزرسانی نمودند. همچنین با توجه به سوابق و فعالیت های این گروه در فنوج و گفتگوهای متعدد تلفنی با ایشان مقرر شد خرید و توزیع دام در توتان از طریق این گروه و بدون فوت وقت پذیرد.

همزمان با شناسایی فروشندهگان دام، قراردادهای تحویل بزها به افراد هم انجام شد. در ابتدا قرار بود خرید دام در شهرستان ایرانشهر انجام گیرد اما با توجه به شرایط پیش آمده تسهیلگران محلی جستجوهای خود را در روستاهای اطراف فنوج که در فاصله ای بسیار نزدیک تر از ایرانشهر به توتان قرار داشت آغاز نمودند و با کمک افراد آشنا به امور دام، تعدادی بز سالم محلی و پاکستانی را مناسب تشخیص داده و برنامه خرید آغاز شد.



تصویر شش: شناسایی فروشندگان دام در روستاهای اطراف شهرستان فنوج

دامهای مذکور دوقلو زا بوده و ترکیب محلی-پاکستانی شان به گفته دامداران محلی شانس سلامت و زادوولد بیشتری را ایجاد می کند هرچند قیمت بالاتری هم دارند. طی گفتگوهای بسیار با تسهیلگران، قرار شد ۷۵ رأس بز که نصف شان باردار بودند به اضافه ۱۵ رأس بزغاله ایشان هرکدام به قیمت دو میلیون و پانصد هزار تویمان خریداری شوند.



تصویر هفت: خریداری دامها و گذران شب در منزل فعالین فرهنگی فنوج

خوشبختانه این خرید باعث شد ۱۵ بزغاله مازاد بر هزینه به تعداد دامها اضافه شود. پس از واریز هزینه، از آنجاکه فروشنده مسئولیتی برای تأمین محل نگهداری و علوفه دامها نداشت، بزها از روستای حسن آباد (محل خرید) به شهرستان فنوج منتقل شده و شب را در منزل تسهیلگران محلی فنوج گذراندند.

صبح روز بعد بزها مورد معاینه دامپزشک قرار گرفتند و هم‌زمان با انجام معاینات دامپزشکی، مکاتبات و هماهنگی‌های لازم با دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری سیستان و بلوچستان، فرمانداری فنوج و بخشدار بخت جهت انتقال دامها از فنوج به توتان انجام شد.



تصویر هشت: معاینه دامها توسط دامپزشک

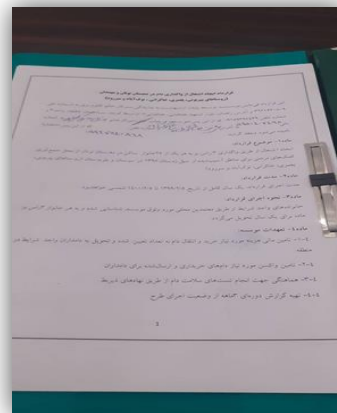
دامها با شش وانت به توتان انتقال یافتند. متأسفانه به علت ناهمواری جاده و از بین رفتن آسفالت بخش بزرگی از مسیر به دلیل جریان بارندگی و شسته شدن جاده‌ها توسط رودخانه‌ها در مسیر فنوج-بخت-توتان یک رأس بزغاله تلف و دو جنین سقط شده و خودروها بارها در خاکی جاده و بستر رودخانه گیر افتادند و طی مسیر ۱۲۰ کیلومتری فنوج-توتان بیشتر از دو ساعت به طول انجامید.



تصویر نه: بارگیری دامها و حرکت به سمت توتان

هرکدام از وانتها در یکی از روستاها مستقر شد تا کار تقسیم انجام شود. تحویل دامها در بعضی روستاها بسیار منظم و بدون مشکل صورت پذیرفت اما با توجه به تعدد خانواده‌های نیازمند و کمبود منابع مالی موسسه برای خرید دام، (که تنها امکان تأمین ۳ رأس بز برای ۳۰ خانوار را به موسسه می‌داد) افراد زیادی به گروه مراجعه و تقاضای دام داشتند. همچنین در یکی از روستاها، پیش از موعد مقرر و استقرار کامل گروه تسهیلگری، دامها توسط دهیار میان

افرادی غیر از لیست تعیین شده توسط تسهیلاتگران و معتمدین محلی تقسیم شده بود که پس از گفتگوی بسیار، گروه توانسته بود با این نوید که در اردیبهشت ۱۴۰۰ هر خانواده دامدار فعلی، یک بز و دو بزغاله را به خانواده بعدی تحویل خواهد داد، تقسیم بزها را بر اساس لیست موجود، مجدداً انجام دهد. در مجموع ۷۵ بز بالغ و ۱۴ بزغاله در پنج روستای نوک‌آباد (۱۸ رأس)، پیربونی (۲۳ رأس)، پغمزی (۱۸ رأس)، سررود (۱۸ رأس) و خاکران (۱۳ رأس) به نسبت جمعیت، توزیع شد.



تصویر ده: تحویل دام به خانواده‌های واجد شرایط طی قرارداد

دام‌ها غالباً در اختیار خانم‌های سرپرست خانوار و مردان سالمند تنها و خانواده‌های پرجمعیت نیازمند قرار گرفت اما هنوز هم خانواده‌های بسیاری هستند که با داشتن تعدادی دام می‌توانند زندگی بهتری داشته باشند.



تصویر یازده: تحویل دام به خانم‌های سرپرست خانواده

انتشار فیلم‌ها و تصاویر توزیع دام در شبکه‌های اجتماعی باعث شد برخی فعالین اجتماعی و خیرین در سطح ملی علاقه‌مند به حل مشکلات توتان شده و موضوع تعمیر و تجهیز در مانگاه دهستان توتان نیز مورد مطالعه قرار گیرد. این اتفاق نیک در صورت وقوع، گام بزرگی در جهت بهبود وضعیت بهداشت و سلامت مردم توتان خواهد بود.

همچنین برای انجام فاز دو پروژه در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ و بعد از دو بار زایمان دام‌ها، ضمن دریافت یک رأس بز بالغ و دو بزغاله از هر خانواده و تحویل آن به خانواده بعدی در صورت علاقه‌مندی همراهان و خیرین محترم به ایجاد اشتغال برای خانواده‌های بیشتر، این مدل قابل تکرار خواهد بود.



به خصوص که در شرایط موجود حداقل ۵۰ خانوار دیگر با شرایط اضطراری در صف دریافت بز قرار دارند. موسسه توسعه پایدار اردیبهشت انجام فاز دو پروژه و شناسایی خانواده‌های واجد شرایط در روستاهای هدف را آغاز نموده است.